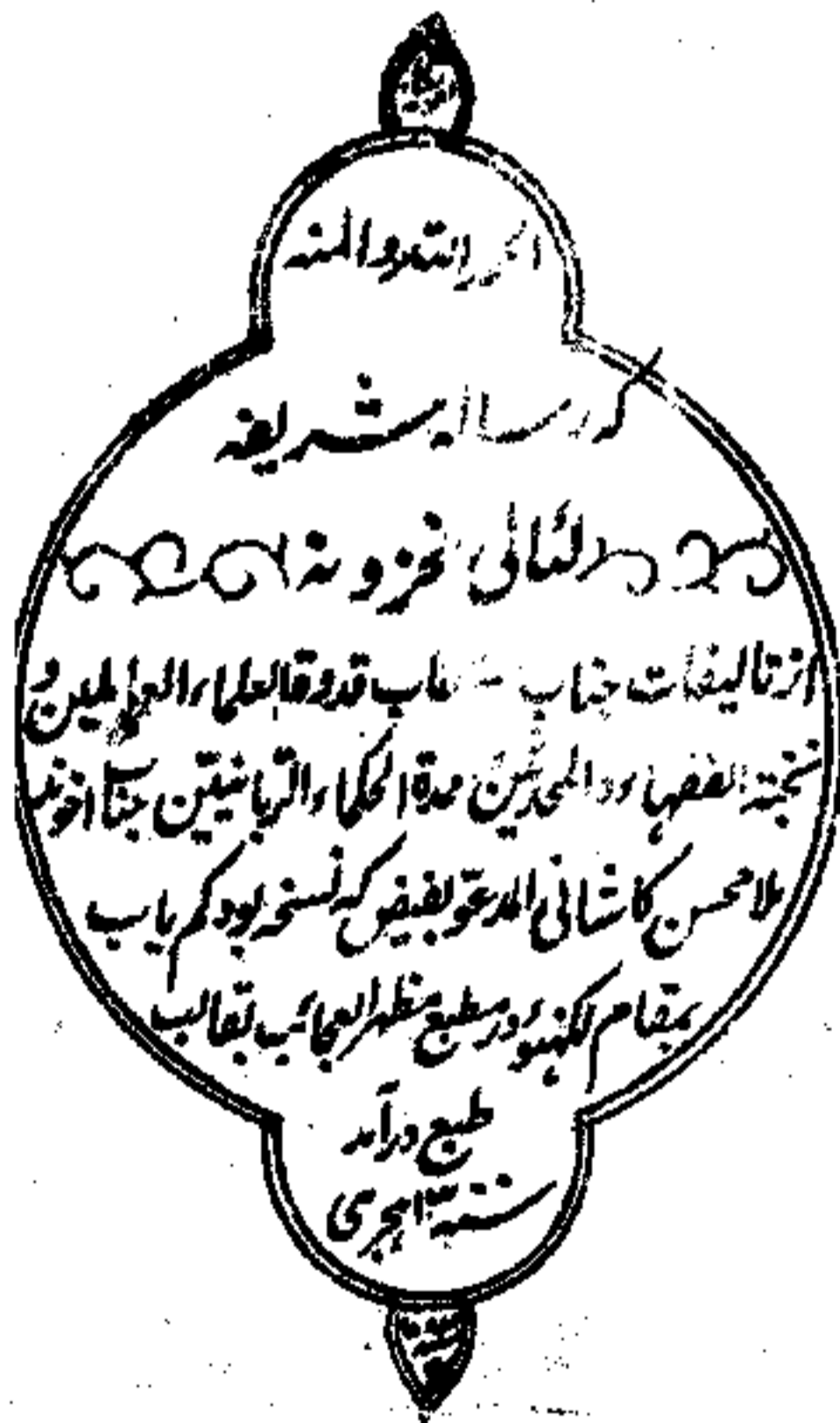


جامع

۲۹۲۳





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مثالی خشن و زود انگیختن

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰى خَيْرِ
 خَلْقِهٖ كَحَدِّثٍ وَاِلَيْهِ اَجْعَلِيْنَ اَمَّا بَعْدُ فَاِنَّ رِسَالَةَ سَمْعَلِ
 بِرِخْتُوْمِيْ چندان بجهت توسعه رزق و توانگری و دفع فقر و دفع اعداء
 و سحر و ادا دیون و شفای بیماری و محفوظ از بلیات و استخلاص
 آن از حبس و ختومی چند بجهت برآمدن ثمرات و حوائج و مرادات و دعا
 معتبره روایت شد و از علماء ذیل اکثری منقولست از ثقات و
 روایت مندر بخواتیم بقریه و استخوان و آن مشتمل است برشت با
 یان ختمهای سریع الاجابة که بجهت توسعه رزق و
 و هفت ختم میباشد الاول ختم این آیه شریفه
 قَدْ جَاءَ وَيُؤْتِيْهِ رِزْقًا غَيْرَ رِزْقِ الْاَنْثَى

و...

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا وَختم این آیه شریفه بعد از جهت کثرت رزق و بسط
 حال نیادنی سامان جمعیت و رسیدن به مال منافع و تنای دنیا
 و غیر ذلک از امور دنیوی و از ختم بخت و استیلا با ائمه ائمه است و بسط
 و تنوع کثیر و هم غنی و کثیر نموده اند و طریق اینقدر آن بابر و غنی است
 که ابتدا می ختم باید و در پیش شب با جمعه باید و شبانه شد و پیش شب
 بهتر از جمعه و دو شبانه باشد تا چهل روز یکصد و پنجاه مرتبه بخواند
 بدون زیاد و کم و بیشتر است که بعد از نماز صبح بخواند تا روز چهارم
 یکصد و پنجاه و نه مرتبه بخواند که بیست مرتبه تلاوه که مجموع
 تسلسل هزار و سیصد و بیست مرتبه میشود که در مجموع آیه شریفه
 البته بعد از آن روز و آنرا بخواند بچهار مرتبه و روزی مقصود بر روی او
 کشاده میشود و در ابتدا می ختم غسل بزرگ و فاسی حاجت و
 آرزوایت دعوت بعمل آید و در رکعت نماز حاجت و صد بار صلوات
 ایستادن بسیار و به بنیت صفا و احتقاد درست و دل جمع آید
 خواند و و ناگفته که جناب قادر مختار چندین مال با و اگر استفسار
 که از حسنت حاجت آید و در همه اول نشاء و صد بار فتح است و در
 روز چهارم که تمام شود باز یک صد مرتبه صلوات بخواند و اگر در
 نانی و ثالث مشهور و حاصل است و اکثر ادبیا تا در آستان چهل روز
 فتح میشود ختم از سر آید و در آن تا در آستان با باشد و بدون شبانه

و در نمانی و در حاصل بهت و بعضی از اینها گفته اند که جای علو و افتخار
 که در و با هم می تکانند و پشت سر هم نظر کنند و در آخر چشم بینی بعد از
 در علم باز و در مرتبه معلولات فرست و با این طریق به سه و از این خط ملازمه سی
 فصل المحدثین و در اخبار و المحدثین بودند ملازمه راه عمایه الزمه
 نقل شد و در خبر اگر اشتراک پیدا کرده شود در جبر یا قسرت و حکایت
 در خصوص این اینها بسیار است بعد از آمدن این کفر در میان
 باشد آنجا بود که گفت الفاش است شب و اندک و لیس و معتقد است
 از این جهت دیوی و آخری و طلب حاره و نسب و بزرگی
 و محبت سلاطین و صفی اللسان امر او و در روز چهارم که با بخوان آنکه
 لطیف و بیادیه و در شیخ من لیسانه و هو القوی العزیز و ابان فرانس
 اگر بعد از آن در این آب را که اندام به سه وقت از معانی بر روی سدر لسان
 داشته باشد و مگر شکر شده و در نشانه معتبر و ملازمه شده که در
 نظر خود و جلال که با بعد از آنکه با اینصورت نوشته شده در این راه
 و نظر چشمه داشته باشد و بر روی او نمود شخصت و شش مرتبه اسم
 او بخواند و همه به و آنکه لطیف بعد از آنکه در آن من لیسانه
 و نوبه القوی العزیز بخواند خدا ایستادی و روزی گردانند برای او
 شادمانی و سعادت و حرکت در روز او عطا فرماید و توفیق و
 قوی را و در مشکل و شره ترا از دل سه گردانند و از علم ظاهر این او را امین
 گردانند و هر چه طلبند از خواجگی باید و بعضی گفته اند که با اینصورت

عمر کثیره انشاء شد بر او می خواند بن محمد الصادق باقر و اذنه مرتقا
هنا الدعاء في كل يوم مره شمس بين متتابعين رزقه الله كثيرا
من المال وكنز من العلم ووده هذا الدعاء استغفر الله الذي
لا يراه الا هو الرحمن الرحيم الخ يا قيه يدع الغم والهم
من جميع جهتي و ظلني و اشرافني على نفسي و انا و اب و اولاد
يا شمس باب راور آخر شب سر درنده تمام من روزه نماز و با گوید
من هر روز بی نوزغ کند و حاجت او را آورد هر چه که از حاجت
تو و ما شده ما نماید بگوید و اگر تسبیح و سحر و تبرکات مهم بسیار را
این طریق مذکور به گوید و اثرات قوی خواهد بود و اگر الوهاب بدون یاد
نمایم بگوید نیز عیب ندارد و شبست و هر سه در روزه شبیه و شبیه
دو رکعت نماز کند و در سجده گفتار بگوید یا شمس تو نکرستی با به
الخامس از حضرت رسول منقول است که هر که خواهد روزی بروی و در
آورد و باستانی بدور رسد باید که هر که باشد شهاب نگاه آیند عمار استه مریه
نخواند و گویند امتداد تیغ و باید که فرزندان خوانند این دعا بعثت لمن
شاج خلق نکر و بعوان الله تعالی یا الله یا الله یا الله یا الله یا
عب یا ادب یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام اسئلك ربی
الکبیر الاعظم ان ترزقنی رزقا وایضا خلا لا طیبان و صغیر
بارخیم الراجحین السادس بیر که بخوانند این آیات شریفه را اقدام نماید و در
روز بروز زفتح و نضرتی تازه و دولت و عزتی بی اندازه باورد می نماید

به چهره آورده شده بود. بدلی خجسته میسر شود و از شر و دشمنان ماسد مان
 این باشد. همچنین و انس سخن می گردند و در زمانه نماند و ملائکه بر
 و در جمیع نماز جمیع اقطار این گروه مخصوصا از سفر و پاک در سدا
 بحسب و نیز از آرزوی و کارهایش نباشد الا پسندید و و با همه اینها
 طریق خواندن آیات شریفه نیست که در اول یا دو مرتبه یا استغفار و اول
 یا حیدر الوارثین یا عظیم یا خلیف یا عفة یا عفور یا جامع یا جامع
 یا سنی یا کبیر یا لطیف یا کبیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر
 لی عات رحمتی و اتبعن لمن امری فرجاً و کفر جباراً و خیراً فیما ان
 الراجحین و صلوات الله علی خدیجاته که در این احسان و تندر
 در آید آن من خوانده شود باز پانزده مرتبه یا الله یا الله یا الله یا
 آیات عمیره بخواند آیه اولی و الذین هاجروا فی سبیل الله
 ثم قتلوا او ما توالدوا فی سبیل الله فاما مننا و اولیاء الله انهم کبیر
 الرزق ان آیه الفانیه امین حلی هم مدخلای رضوانه ان الله
 لعلمهم حایر آیه الثالثه ذالک و من عاقب عینل ما یؤتی به
 کفری علی علیه لتصرنا ان الله اعلم اعقود آیه الرابعه ان
 بان الله یوج اللیل فی النهار و یرج العاصی فی اللیل بان الله سمیع
 صیر آیه انما صه ذلک بان الله سمیع ان ما یلتون بموت
 هو الباطل و ان الله هو العبد الکبیر آیه السادسه قال ان
 الله انزل من السماء ماء فتنبیح الارض فکفر قرآن الله لطیف

خير آية النبوة اشارة الى ابي القاسم واصحابه في حق الله
 كقول النبي صلى الله عليه وآله وسلم ان الله عز وجل
 ما خلق خلقا في خلقه الا ليعمل به واما قوله عز وجل
 ان الله يبارك في ان الله بالتاريخ ^{الله} وروى عن جابر الشامي ^{الله} بالبرهان
 الرفيع في جلائهم من فروعهم يوما يوما حيدر جرة اعشاء
 من به ابرو احببه من سواه واحببه من به اياه ومن قراه على
 ما كواح اذ طبعه من احب احبه ومن جعله وردا يفر بكل
 كنز علم او مال الناس يا معبد يا انت اذ ابرو الخلاق لدموت
 من عرافته من قرائن يوم ثلاث ما تدرك به بغيره الامور
 والمان والسعادة ومن اطب على هبدع افضية ريشا
 حين الدنيا والاخرة العاشري يا معبد الفغان في المرق على جميع
 بطرفه من ثريته صادفة في الليل والي اراثة الله
 ومركبته وسعد به حياه صادرة ايت من فضل النعمان
 اراد زيادة ماله وارتفاع درجته وليواظب على قرائته كل يوم
 اذ لا ياتي عشر يات في كل سنة الا في تلك الظلمات نور
 من كان قديرا ذاع عياله فلما اذ قلب حنار راء مما اسودت
 يفر لانه ثم في القلب سبع ما تتركيب الاسم في قوتها من
 في يوم القلب يدفنه في كتبها صبا نارا في يومه
 ومن كتبها لا يتردد في حياها الا في ايامها او من يتركب

که در هر یک از این نمازها از هر یک است و فقط در روز الواب عشر اگر بیاید
 الإنسان ما کفر کفر بربک الکریم و لا یج حوره و یست من نویسه
 و با خود از روزی او فرانشه و در معاضدت منفع نام بسیار یا بیشتر
 بلکه وقت نمازها و نجات که پوست هیچ نماز و بیست گناه است
 هر که در یک نماز مرتبه گوید **اَشَاءَ اللهُ لِاَحْوَالِیْ وَ لِقَائِیْ اللهُ**
 و بعد از آن یک پیش است اگر کسی خوانده باشد که این کار را هر روز
 کند تا پیش از هر روز بعد از نماز خوانده باشد تا سالی آن باشد
 آنستادس عشره احب بالنظر اور و اگر که در ماه است که در این اسم
 که عبارت است از **اَلْکَرِیْمُ الْوَهَّابُ الْکَلْبُ الْخَمِیْقُ** است از بیست و یک روز
 و روزی آن نهانی که ساخته و نگار داشته باشد با او میرسد و بعضی از
 بزرگان گفته که بسیاری از مردم را با او و روز دوم در باین روز مشغول
 شدند و از آن چیز شایسته کردند که غایت عجب بود خوب بود
 هر روزی معانی از آنچه در مرتبه خوانده بعد از هر نماز است و نوشت
 اگر با بیعت و خوانندگی و آنکه خواهر بود و آنستادس عشره از برای قنصای
 حجاج ساریست که نامیدوست است **بِصَلْوَةِ الْمَشْرِقِ** تا شایسته خوب
 دارد و موجب فرج و گشایش است اندک است و من حیت که است
 اسباب فرج از برای عامل بودی آورد و رکت اول بعد از فاتحه بیست و یک
 گوید **وَأَوْضَحِي إِلَى اللَّهِ بِصَلْوَةِ الْعِبَادِ** و در رکعت دوم
 بعد از فاتحه بیست و یک **يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ**

التَّائِبِينَ وَالْمُحْسِنِينَ وَتُجِبْتُمْ عَنْهُمُ اثْمَانًا وَعِشْرِينَ وَمَنْ عَمِلَ كِذِبًا يَجْعَلُ اللَّهُ مِنْ عَمَلِهِ خُجْرًا وَجِثًا
و هر گز سترایی از سبب و عیب و بخت بد که در حقش است از پیش روی او بگذرد و در روز قیامت
و هر گز در این دنیا از بخت بد و بخت بد که در حقش است و در روز قیامت و در روز قیامت و در روز قیامت
پانزده روز از او بگذرد و در روز قیامت و در روز قیامت و در روز قیامت و در روز قیامت
در حساب او حساب نخواهد بود از آنکه از آنکه از آنکه از آنکه از آنکه از آنکه از آنکه از آنکه
التَّائِبِينَ وَالْمُحْسِنِينَ وَتُجِبْتُمْ عَنْهُمُ اثْمَانًا وَعِشْرِينَ وَمَنْ عَمِلَ كِذِبًا يَجْعَلُ اللَّهُ مِنْ عَمَلِهِ خُجْرًا وَجِثًا
و هر گز در این دنیا از بخت بد و بخت بد که در حقش است و در روز قیامت و در روز قیامت
پانزده روز از او بگذرد و در روز قیامت و در روز قیامت و در روز قیامت و در روز قیامت
در حساب او حساب نخواهد بود از آنکه از آنکه از آنکه از آنکه از آنکه از آنکه از آنکه از آنکه
التَّائِبِينَ وَالْمُحْسِنِينَ وَتُجِبْتُمْ عَنْهُمُ اثْمَانًا وَعِشْرِينَ وَمَنْ عَمِلَ كِذِبًا يَجْعَلُ اللَّهُ مِنْ عَمَلِهِ خُجْرًا وَجِثًا

و فقه فاقه از وی در دنیا و آخرت ^{بسیار} بیست تنی از بعد از اسمعیل
 و مطلبی خوانده شد و اثری بخیرت او و در کتاب علماء اینها عهده به و در بعضی
 از آنها سیرتین وار شدیم است آمد با ایشان مشایخ ما را که آیه الکرمین در دست
 هر که رویت خواند در حق خدا و ما ببرد و بعد از آن عاکسات است و
 در میان او ^{بسیار} است و غیره که از زبان او در کتاب رحمت او خواهد است و در وقت
 ایستادن ^{بسیار} در گنجه وقت ^{بسیار} است که با آنها از انکسرت
 گویند چیست بیست تن از او ^{بسیار} کوی در روز و تمام ^{بسیار} است که از او
 انگشت به او در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ
 به هر ^{بسیار} یک ^{بسیار} تن ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ
 شد ^{بسیار} تن ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ
 در ^{بسیار} تن ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ
 سور و صد ^{بسیار} تن ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ
 این ^{بسیار} تن ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ
 را ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ
 و ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ
^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ
^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ
^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ
^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ ^{بسیار} در ^{بسیار} چنگ

تاجل و زوكر كرو... و نذ و نغزة اندوم... موت... تا جمل روز...
 قضایه... مختلف... و... تا اول الله...
 و... الحی... سیر... تا... و...
 السموات... و... من...
 ... و...
 علیه... و...
 یوم... و...
 ... و...
 ... و...
 ... و...
 ... و...
 ... و...
 ... و...
 ... و...
 ... و...
 ... و...
 ... و...
 ... و...

...

تاریخی است که در تاریخ بر او شکر و گواهی است که در این کتاب
سوره ای که از کتاب بر ما که کتابی است با سوره ای که در العشرین
و دو صد و بیست و شش است که در کتابی که در سوره در میان
آنچه است از شهر و کتاب است. عاقبت از طایفه سوره که در
این کتاب که در سوره است در کتابی که در سوره است در کتاب
عنوان میماند آنکه هر دو سوره است که در سوره در میان
علی در سوره ای که در سوره است که در سوره است که در سوره
هر دو سوره است که در سوره است که در سوره است که در سوره
و سوره است که در سوره است که در سوره است که در سوره
و آنکه در سوره است و حلف نادر است که در سوره است که در سوره
که در سوره است که در سوره است که در سوره است که در سوره
که در سوره است که در سوره است که در سوره است که در سوره
که در سوره است که در سوره است که در سوره است که در سوره
که در سوره است که در سوره است که در سوره است که در سوره
که در سوره است که در سوره است که در سوره است که در سوره
که در سوره است که در سوره است که در سوره است که در سوره

در کتابی که در سوره است که در سوره است که در سوره
که در سوره است که در سوره است که در سوره است که در سوره

که در سوره است که در سوره است که در سوره است که در سوره

ذوالفضل بقدر الثمانه وخالق نور اذ ذهب مغاضب اذ ذاب
 ان لن نقد عليه فتاوى في الكتابات من الا الى ان متبحرا
 ان كنت من الظالمين اجواب فاستبنا الله وكننا من النعم
 وكار ان نبي المؤمنين الابعه وايرب اذ نادى ربهم باسم
 الصبر وانت ارحم الراحمين اجواب فاستبنا الله وكننا من
 من خير واننا اهله وشاهد معهود بنه من تبنا ذرف
 بله اكين انعامه واقرن امرى الى الله ان الله بصير بالعباد
 اجواب هو ما الله سبحانه ما مكر واوحا وال رب رب
 سوا انما السادة والذين اصواتا فواو علوا
 ذكره الله فاستعف والذوكم وصر بعين الذنوب الا الله
 وتبر بصير وانما ما فعلوا وهم يعقلون اجواب اولاء جزاوم
 مغيرة من كبحر وجماد بشرى من قيتنا الا هار خايرين
 في العاشرين الثامن والعشرون از برای دولت که شایسته
 میباشد بر من این که راسخ در دنیا و دنیا دار است که
 اینست قل ان الفضل بيننا لله يوتيه من يشاء والله ذو الفضل
 العظيم التاسع والعشرون از برای بسعت رزق و شایسته امور در
 مت تحمل و تربیه از نماز صبح این که هر روز پنج مرتبه بدو ان تکبیر وی
 تقدیر با خود بخواند در نماز اول دو رکعت نماز است حاجت پیش از درود
 بر سه ملاوت فر و شرف کند و در آن یکبار در نماز اول را برود

دو مرتبه بفرستد و قهوه بر طاس بکشد تا بپزد هر گاه در روان شروع کرد باید که باشد
اولی است و آیات است **بِنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ كَمَا كُنْتَ**
كُنَّا هُنَا كَالْوَالِدِ الْأَوَّلِ نَاوَايَةً وَمِنَ الْأَنْزِلَاتِ خَيْرُ الْأَنْزِلَاتِ
الْمَسْتُورِ که در روز یا نذر در مرتبه اول یا بخواند همیشه معزز و بزرگ باشد و
در این روز هم در احب جاه و جلال گردد یا **أَلَا اللَّهُ الْعَزِيزُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ**
کسی مراد از این اشعه باشد در هیچ نوبت در بیشتر جاهش شود باید روز جمعه من
و غسل حاجت کند یا استنجابت دعا کند و مسجد جامع رود و حاجت
پاک شود و در کعبت نماز حاجت را هر یک کند و بعد از نماز بیست مرتبه
يَا أَيُّهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَكُلِّ فِعَالٍ إِلَى الْبَيْتِ مَرَّةً شَرِيفَةً شود و بعد از آنکه
کار همه را تمام کند و در این اسم بیست مرتبه بخواند یا **يَا أَيُّهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ**
هر که در دنیا یا آخرت بخواهد بر آن محتاج نگردد و هر روز بعد از نماز خود
بارخواند یا این اسم را در اطلاق بر ضعیف و اسرار که میاید یا باطل است
و سرسنگ در کعبه از هر تا چهل روز هر روز چهل مرتبه بخواند و اگر کسی
در خلقت از چیز شکی و ضعیف سازد و سرد یا برینه سازد و آسین قیام کند
و بویسه کند و صد دفعه یا **عَزَّوَجَلَّ بِالْعَزِيزِ** بخواند در میان مردم مکرر
مخبر عزیز و ارجمند میشود **الْمَثَلُونَ** هر که در نصف مع
یا در نصف شریف است بدعا بر آورده و در مرتبه باران یا در نصف باران
و لام تفریق از ارف بخواند در میان خلق بزرگ شود و صفا بخواند
می شود **الْمَثَلُونَ** در شرح اسماء از آن آورده اند که هر که در

کتابی عربی

نعل در چهار تن و به فغان خود در بر تراود و در بار بگوید که این
 عاقلان از دست بهت کنند و چنان قبضه و ولز فقر و باقه و بیوانه
 جلاش شود و الرابع و الثلثون هر که در اول وقت اول ساعت از روز
 بر روی صد و هشتاد و نود دفعه الزلزال با الفع لله تعریف بگوید آنکه
 بمان عدد یا زکات بگوید البته روز او واسع گردد من حیث کما یحب
 من ذوق میشد و جوهر است آنکه الثلثون با الفع لله برای توسعه رزق
 مداومتش جوهر است هرگز و تاج نکند. آنکه الثلثون از جهت غنی
 و جوانگری و ولایت و پنازی در زمانه غنا و خعتن بهر ارادت و شصت مرتبه
 بگوید یا حق تعالی بخشد و در غنا و ثروت و در این ختم به او ناکر و تدر
 از ربع و این ثلثون که تاده جمع بر همه هزار مرتبه ذکر کنند و اسم
 الفع لله را در خود و دنیا شامه و را بر ایام حیوان جناب با قدم از او را
 در دنیا بخورد و پناز از آن دو آواز بگوید که اند و گفتن این و هم در یک
 حدان و چیز بار بار گفتن و سیدین قولند عظیم و خعتن در سینه
 نشانه و انشاء اگر گشته این چهار اسم ساکنه و یکروز هزار مرتبه بگوید
 در روزی که سخن گوید توانا می خواند و بسیار بود گفتند انکلا این سخن
 در بار اول و ثانی و اقول و الرجا و اسما می از بدایست یا بخت
 یا بخت یا بخت یا بخت یا بخت یا بخت یا بخت یا بخت یا بخت یا بخت یا بخت
 خود را در هزار مرتبه پناز در میان رفتند و البته متولد و در وقت
 نماز و چنان صد بار چنین فرموده اند که در پیش و بخت بودم خواندن این

اسما و بارک که در کتب قدیم و اسما از آنست مابین ترتیب است یا اولی یا دوم
یا اولی یا ثانیه و بنابر این شیوه یا اولی مقدم است بر یا اولی و وصف نیز در
اعتبار کرده اند در آثار شریقه در تمام روز و در بیاض و شکر و غیره
که این مختار را بصورت این نوشته بودند و اسناد آنرا به غیره دادند و در بعضی
این چهار اسم مابین ترتیب بود یا قوی یا عزیز یا عظیم یا عظیم و در بعضی
و بعضی از علما و در باب اجازة و این معانی گفته اند که از جهت تعداد و دوست
و هر یک مجلس چهارده هزار این اسما و کسبه را باید خواند و با کسی در آثار
خواندن حرفه ترند که البته حاصل میشود و اما بنا بر این قول یک اسم
و بنا بر این چهار است و باید گفت و ترتیب این اسما در این نخست یا قوی یا
عظیم یا عزیز یا عظیم یا اولی و بعضی از نویسندگان نقل کرده اند که در این
اسما در آن وقت نزدیک به هزار و سیصد و نود و هشت است اما در بعضی
از بیکت این اسما بسیار که در وقت و غنا بار و آورد و توانگر شدیم و این
اینست مابین ترتیب است یا قوی یا عظیم یا عظیم یا اولی یا اولی و نقل
شده در کتاب آثار الیقین و امرو و اینست که هر که در کتب قدیم و در ترتیب
و بر و اینی و از آنده هزار مرتبه یا قوی یا عظیم یا عظیم یا اولی و سیصد و نود
عالم را سوزنی فاسدی و شکر است که در آنجا بر خواندن این اسما در روز
روایتی وارد شده است که اگر در آنده هزار مرتبه خواندن این اسما در روز
بانو خداوند کرد است فرمایند که حساب آنرا نماند و عددی که در این اسما در
هزار و سیصد و پنجاه و دو است و در بعضی از کتب آمده که هر که در وقت و در

یاقوتی را از هر دست شسته و بر من غنوده هر روز هزار و شصت بر قدره خود بخواند
 تا ده روز و هر روز سویرا با اقا - سلمه بعد از نماز هفتاد بار بخواند که تا در
 بخش نهد که تمام شود در روز بهر نماز صلواتی گرم مستحب است او را بر طلب
 نماید که او را شود و از جمله اضمحیا شود و در روایت واروشه نیز آمده است
 کسی تا ده روز بخواند و این را در روز سه شنبه بخواند - ~~در روز سه شنبه بخواند~~
 مرتبه در روز سه شنبه بخواند ~~در روز سه شنبه بخواند~~ او را صلواتی مستحب است
 احتیاجی بعد از هر نماز سویرا ~~در روز سه شنبه بخواند~~ یا کتبی یا کتبی یا کتبی یا کتبی
 التماسع و الثلثون بعضی از باب خاص است از آنجا که در روز سه شنبه
 در قوسه در هر سه شنبه در روز سه شنبه در روز سه شنبه در روز سه شنبه
 تا کاین یا غنی یا قشاح یا رذاق که ربیعون اذنا نسع عنبه عام صلا
 عدد الزوال رکعتین فی الركعة الاولى الحمد و الا ~~یا غنی یا قشاح~~
 اذنا نسع عنبه عیزا و لی لنا ذیة بعد ما اهل شهره الی عامه فاد اذنا نسع
 ذلک اذنا نسع عیزا و لی لنا ذیة بعد ما اهل شهره الی عامه فاد اذنا نسع
 شکایت کرد و در وقت صبح فرمود سه روز و در روز چهارم نماز سویرا
 چون پاشد در هر سه شنبه در روز سه شنبه در روز سه شنبه در روز سه شنبه
 خود یا صوامی چنانچه کسی ترانه بیند و در رکعت نماز کرب و خوار و ای
 چنانکه زانوهای تو نیز زمین باشد و دست من را بر آغوش راست
 بیا و مقبله کن و بگو اللهم انت انت انقطع الرجاء الا بذک و یخاف
 انذما الا ویاک فانقذ مریح انما له لا یقته الی عذریة انذما

این امری فرجانه کز جاواد زلفی من حیث است حکیب فممن حیث
 که آنست نه من زمین سجده کن و بگو یا صغیت اجعل لک راتقا من
 کتبتک که در روز نه روز تازه روزی تو بیشتر آشنای با الاربعون در
 ایام قیامت است و در هر کس تا سه روز جمع و هفتاد مرتبه این دعا را بخواند
 نمیکند و بدو سه عهد بگردد اگر خدا او را غنی بگرداند از هر امری بفضل خود و دعا
 میسر است **اللهم انزل الوضوء الخیر یا ارحم الراحمین یا اودد و ارحم**
بخلایک من شایک و بطاعتک عن خصمتک و بفضلک
تختم بصلواتک بر خصمتک یا ارحم الراحمین الثالث والاربعون
 در عمل ششمانی توبه حیرت انگیز است که در هر روز سه بار در هر وقت
 بخندد و در هر طریق اولی شهر کند و در هر وقت این نسبت که از روز جمع ^{افتتاح}
 و اینست که هر یک روز چهل مرتبه بخواند و اگر بگوید و شود
 شود و سرگرد و بیدار آید و در هر روز این دعا را سه بار بخواند یا **اللهم**
فرج لنا فرج فرج یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین
یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین که هر یک از این دعا
 این دعا شرط تراست خواند و یک روز در این مدت هر روز و قوت کند در دعا
 خواندن این دعا هر روز در هر راه که باشد ^{بخواند}
 به آن گروه بسیار است و در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
 بر توبه است که از هر راه که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که
 است و هر که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که

بهمین شیوه نوشتت بود و در این کتاب نوشته بود یکم این ختم مبارک که از برای هر حاجت

فدای یک دنیوی که رسد تا چند ساله در این عالم بدو نام شرعی و نباشد.

بجز این که در کتاب دارد و در نسخه دیگر چنین نظر است که در این نسخه کافرا

الکتاب به بیان شریعت است حصول مطالب بیهیست از طریق این بیان بود پس

که هر روز چون بکرتبه ناچیل که در خواند و بعد از آن که در این نسخه در این

بخواند و این نسخه که در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه

یا مفسر در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه

ترجمت چنین کند بت خواند یا مفسر در این نسخه در این نسخه در این نسخه

یا مفسر در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه

متعددید نوشته شده و در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه

و تغییر جهت همینان و تغییر در این نسخه در این نسخه در این نسخه

تعبیر کرده و این اقسام در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه

یکشنبه جمعه یک هزار و چهارده مرتبه بخواند و از این نسخه در این نسخه

تکرار در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه

قرابت بر او پاینده و منبته بخواند و در این نسخه در این نسخه در این نسخه

از کتاب با یک نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه

درستی عهد او سلاستت را به این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه

السیبت در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه

الکتاب جامع در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه

در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه در این نسخه

و در مرتبه باشد از این نیز مطلبی در شش بار باشد و آنجا است که در وقت
 و تجویز رسیده است و این اول است که آنرا **عَلَيْكُمْ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ**
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ و بعد از آن **اللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ** و بعد از آن **وَاللَّهُ**
يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ و بعد از آن **وَاللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ**
 و آنچه در عقیقه از سرور **أَنَا فَخْتَنًا** و بعد از آن **بِجُودِ رَبِّهِ** و نیز **وَأَنْتُمْ**
عَلَيْكُمْ و بعد از آن **وَاللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ** و بعد از آن **وَاللَّهُ**
 و نزد شما و اگر چه در این میان است و حکم کثرت است و در وقت
 تاثیر نیست مگر از هر چه قایل است و می رسد و اجتماع شده و در وقت قائل
 که در وقت که در آن **وَاللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ** و بعد از آن **وَاللَّهُ**
 ختم است و در وقت که در آن **وَاللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ** و بعد از آن **وَاللَّهُ**
 که باشد **وَاللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ** و بعد از آن **وَاللَّهُ**
 به این است و در وقت که در آن **وَاللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ** و بعد از آن **وَاللَّهُ**
 که در آن **وَاللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ** و بعد از آن **وَاللَّهُ**
 مکان خدایت می نشیند و با احد **وَاللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ** و بعد از آن **وَاللَّهُ**
 یعنی با فرزند در **وَاللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ** و بعد از آن **وَاللَّهُ**
 وقت مرتبه **وَاللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ** و بعد از آن **وَاللَّهُ**
 نه در **وَاللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ** و بعد از آن **وَاللَّهُ**
 و یک **وَاللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ** و بعد از آن **وَاللَّهُ**
 و بعد از آن **وَاللَّهُ يُرِيدُ الْفُتُورَ مِنْكُمْ** و بعد از آن **وَاللَّهُ**